



شماره : 14

نشریه اسلامی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
ذِكْرًا

الرابطة الثقافية الإسلامية العالمية

International Islamic Cultural Association

انجمن فرهنگی جهانی اسلامی

فصل برای دانشجویان

تاریخ: 2013/4/25

## ( دعوت )

دعوت اسلامی واجب و وظیفه یا مسئولیت همه امت می باشد [ كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ ] ( شما ( ای پیروان محمد ) بهترین امتی هستید که به سود انسانها آفریده شده اید ( مادام که ) امر به معروف و نهی از منکر می‌نمائید و به خدا ایمان دارید. ) آل عمران- 110

و همچنان: [ ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ ] (( ای پیغمبر ! ) مردمان را با سخنان استوار و بجا و اندرزهایی نیکو و زیبا به راه پروردگارت فراخوان ، و با ایشان به شیوه هرچه نیکوتر و بهتر گفتگو کن ؛ چرا که ( بر تو تبلیغ رسالت الهی است با سخنان حکیمانه و مستدلانه و آگاهانه ، و به گونه بس زیبا و گیرا و پیدا ، و بر ما هدایت و ضلال و حساب و کتاب و سزا و جزا است . ) بی‌گمان پروردگارت آگاه‌تر ( از همگان ) به حال کسانی است که از راه او منحرف و گمراه می‌شوند و یا این که رهنمود و راهیاب می‌گردند . ) النحل- 125

و همچنان: [ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ارْكَعُوا وَاسْجُدُوا وَاعْبُدُوا رَبَّكُمْ وَافْعَلُوا الْخَيْرَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ هُوَ اجْتَبَاكُمْ وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ مِّلَّةَ أَبِيكُمْ إِبْرَاهِيمَ هُوَ سَمَّاكُمُ الْمُسْلِمِينَ مِنْ قَبْلُ وَفِي هَذَا لِيَكُونَ الرَّسُولُ شَهِيداً عَلَيْكُمْ وَتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَاعْتَصِمُوا بِاللَّهِ هُوَ مَوْلَاكُمْ فَنِعْمَ الْمَوْلَى وَنِعْمَ النَّصِيرُ ] ( ای کسانی که ایمان آورده اید ! ) ( برای آفریدگار خویش ) رکوع ( و کرنش برید ، ) و سجده کنید ( و به خاک افتید ، ) و پروردگار خود را پرستش نمائید و کارهای نیک انجام دهید ، تا این که رستگار شوید . و در راه خدا جهاد و تلاش کنید آن گونه که شایسته جهاد و بایسته تلاش در راه او است ( تا در میدان جهاد اصغر که نبرد با دشمنان دین است ، و در پهنه جهاد اکبر که مبارزه با نفس امّاره است ، پیروز گردید ) . خدا شما را ( از میان

مردم برای یاری دین خود ( برگزیده است ) و به شما شخصیت و عظمت بخشیده است ) و در دین کارهای دشوار و سنگین را بر دوش شما نگذاشته است ( و بلکه تکالیف و وظائفی مقرر نموده است که با فطرت سالم هماهنگ و با توان انسانی سازگار است . این دین همان ) آئین پدرتان ابراهیم است . خدا شما را قبلاً ( در کتابهای پیشین ) و در این ( واپسین کتاب ) مسلمین نامیده است ( و افتخار تسلیم در برابر فرمانهای الهی را به شما داده است و شما را الگو و اسوه حسنه ملت‌های دیگر کرده است ) تا پیغمبر ( با شهادت عملی خود ) گواه بر شما باشد ( و در روز قیامت رفتار و کردارش مقیاس سنجش اعمال شما مسلمانان گردد ) و شما هم ( با شهادت عملی خود ) گواه بر مردمان باشید ( و رفتار و کردارتان به عنوان امت نمونه ، محک سنجش اعمال سایرین ، و الگوی بارز خداپرستان راستین گردد ) . پس ( برای حصول این منظور ) نماز را بخوانید و زکات مال به در کنید و به خدا چنگ زنید که سرپرست و یاور شما او است ، و چه سرور و یاور نیک و چه مددکار و کمک‌کننده خوبی است ! ) الحج - 77 - 78

طبقه حاکم نباید در مورد حکم مذکور سهل انگاری کنند، خداوند جلّت عظمته می فرماید: [ الَّذِينَ إِنْ مَكَانَهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ ] (( آن مؤمنانی که خدا بدیشان وعده یاری و پیروزی داده است ) کسانی هستند که هرگاه در زمین ایشان را قدرت بخشیم ، نماز را برپا می‌دارند و زکات را می‌پردازند ، و امر به معروف ، و نهی از منکر می‌نمایند ، و سرانجام همه کارها به خدا برمی‌گردد ( و بدانها رسیدگی و درباره آنها داوری خواهد کرد ، همان گونه که آغاز همه کارها از ناحیه خدا است ) . ) الحج - 41

در حدیث شریف وارد است : [ فالإمام راع و هو مسئول عن رعیتة ] (پس پیشوا سرپرست است و او مسئول رعیتش می باشد.) متفق علیه

و طبقه دانشور در بیان این مسئولیت و عدم کتمان آن سهل انگاری نکنند. [ إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالْهُدَىٰ مِنْ بَعْدِ مَا بَيَّنَّاهُ لِلنَّاسِ فِي الْكِتَابِ أُولَٰئِكَ يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ وَيَلْعَنُهُمُ اللَّاعِنُونَ إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا وَأَصْلَحُوا وَبَيَّنُّوا فَأُولَٰئِكَ أَتُوبُ عَلَيْهِمْ وَأَنَا التَّوَّابُ الرَّحِيمُ ] (بی‌گمان کسانی که پنهان می‌دارند آنچه را که از دلائل روشن و هدایت فرو فرستاده‌ایم ، بعد از آن که آن را برای مردم در کتاب ( تورات و انجیل ) بیان و روشن نموده‌ایم ، خدا و نفرین‌کنندگان ( چه از میان فرشتگان و چه از میان مؤمنان انس و جان )، ایشان را نفرین می‌کنند ( و خواستار طرد آنان از رحمت خدا خواهند شد ) . مگر کسانی که توبه کنند ( از کتمان حق ) و به اصلاح ( حال خود و جبران مافات ) بپردازند و ( آنچه را که از اوصاف پیغمبر و

اسلام و دیگر حقائق می‌دانستند و پنهان می‌کردند ( آشکار سازند . چه توبه چنین کسانی را

می‌پذیرم و من بسی توبه‌پذیر و مهربانم .) البقره- 159- 160

و همچنان: [ إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ الْكِتَابِ وَيَشْتُرُونَ بِهِ تَمَنَّا قَلِيلًا أُولَئِكَ مَا يَأْكُلُونَ فِي

بُطُونِهِمْ إِلَّا النَّارَ وَلَا يَكْلَمُهُمُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَا يُزَكِّيهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ] (کسانی که آنچه را خدا از

کتاب ( آسمانی ) نازل کرده است ، پنهان می‌دارند ( یا دست به تأویل ناروا و تحریف می‌بازند ) و آن را

به بهای کم ( و ناچیز دنیا ) می‌فروشند ، آنان جز آتش چیزی نمی‌خورند . ( زیرا اموالی که از رهگذر

کتمان آیات آسمانی و تحریف و تأویل ناروای حقائق رحمانی به دست می‌آید ، سبب نزول آنان به

آتش دوزخ خواهد شد ) و روز رستاخیز خدا ( از آنان روگردان بوده و ) با ایشان سخن نمی‌گوید و آنان

را ( از کثافت گناهان با عفو و گذشت خویش ) پاکیزه نمی‌دارد ، و ایشان را عذاب دردناکی است .)

البقره- 174

در حدیث شریف چنین وارد شده است: [ عن أبي هريرة رضي الله عنه، قال: قال رسول الله (صلى الله

عليه وآله وسلم): من سئل عن علم فكنمه، ألجم يوم القيامة بلجام من نار ] (از ابو هریره رضی الله

عنه روایت شده که رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم) فرمود: کسیکه او را درباره دانشی بپرسند و

او آن را بپوشد (در حالیکه آنرا میداند) در روز قیامت به لگامی از آتش لگام می‌شود.) (ابو داود و ترمذی)

در عصر حاضر دعوت به کفر و شرک و فساد با انواع و اقسام گوناگون اعلانات انتشار یافته است،

فلذا بایست در ادای دعوت اسلامی که واجب و مسئولیت عموم امت است توجه و عمل جدی

صورت پذیرد.

و چون جوامع بشری برای پیشبرد امور و شئون حیات به فعالین و اهل اختصاص در زمینه های

مختلف نیازمندند، گروههای از میان امت بصورت موظفین مستمر به شکل دوام کامل

(Full time duty) ایفای وظیفه نمایند، که سایرین آنها را در این ساحه مدد و یاری کنند.

[ وَتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ] (باید از

میان شما گروهی باشند که ( تربیت لازم را ببینند و قرآن و سنت و احکام شریعت را بیاموزند و

مردمان را ) دعوت به نیکی کنند و امر به معروف و نهی از منکر نمایند ، و آنان خود رستگاران .)

آل عمران- 104

ولی همه اعضای جامعه با وجودیکه دارای مشاغل مختلف انفرادی و اجتماعی اند، علی الأقل به

شکل وظیفه ضمنی (part time duty) در خدمت دعوت اسلامی قرار گیرند. زیرا امت به صورت عام

خطاب شده است: [ كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ ] (شما ( ای پیروان محمد ) بهترین امتی هستید که به سود انسانها آفریده شده‌اید ( مادام که ) امر به معروف و نهی از منکر می‌نمائید و به خدا ایمان دارید .) آل عمران- 110

خداوند متعال می‌فرماید: [وَالْعَصْرُ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَّصُوا بِالْحَقِّ وَتَوَّصُوا بِالصَّبْرِ ] (سوگند به زمان ( که سرمایه زندگی انسان ، و فرصت تلاش او برای نیل به سعادت دو جهان است ) ! انسانها همه زیانمندند . مگر کسانی که ایمان می‌آورند ، و کارهای شایسته و بایسته می‌کنند ، و همدیگر را به تمسک به حق ( در عقیده و قول و عمل ) سفارش می‌کنند ، و یکدیگر را به شکیبائی ( در تحمل سختیها و دشواریها و دردها و رنجهایی ) توصیه می‌نمایند ( که موجب رضای خدا می‌گردد .) العصر- 1- 2- 3

(خُسْر) به معنی (زیان) است، پس هر گاه یکی از این چهار چیز که دعوت اسلامی (و تواصوا بالحق) هم از آن جمله است، نقض گردد، رهایی از ورطه (خُسْر) بعید از امکان بنظر می‌رسد.

فضیلت دعوت بسوی الله جل جلاله خیلی عظیم است، زیرا وظیفه پیامبران علیهم السلام بوده است و ایشان اشرف خلق خداوند جلت عظمته بوده که جهت هدایت بشریت گزیده شدند، پس مسئولیت دعوت برای علمای امت که ورثه انبیاء علیهم السلام اند، بزرگترین تشریف و تکریم الهی می‌باشد.

[قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي وَسُبْحَانَ اللَّهِ وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ] (بگو: این راه من است که من ( مردمان را ) با آگاهی و بینش به سوی خدا می‌خوانم و پیروان من هم (چنین می‌باشند) ، و خدا را منزه ( از انباز و نقص و دیگر ناشایست ) می‌دانم ، و من از زمره مشرکان نمی‌باشم ( و کسی و چیزی را شریک خدا نمی‌انگارم .) یوسف- 108

فضیلت دعوت در حدیث شریف چنین بیان شده است: [ عن أبي هريرة رضي الله عنه ، أن رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم) قال: من دعا إلى هدى كان له من الأجر مثل أجور من تبعه ، لا ينقص ذلك من أجورهم شيئاً ، و من دعا إلى ضلالة كان عليه من الإثم مثل آثام من تبعه لا ينقص ذلك من آثامهم شيئاً ] (از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم) فرمود: آنکه به کار نیکی دعوت کند به وی پاداشی نظیر پاداش پیروی کنندگان او می‌رسد، بدون اینکه از مزد ایشان چیزی کاسته شود، و آنکه به گمراهی دعوت کند بر وی گناهیست مثل گناهان آنانکه از وی پیروی کردند و این امر از گناهشان چیزی نمی‌کاهد.) (رواه مسلم)

چون امت اسلام حامل این رسالت عظیم الهی برای عالمیان شدند، مورد ستایش قرآنی قرار گرفتند:

[ كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ ] (شما ( ای پیروان

محمد ( بهترین امتی هستی که به سود انسانها آفریده شده‌اید ( مادام که ) امر به معروف و نهی از منکر می‌نمائید و به خدا ایمان دارید . ) آل عمران- 110

**چون اهداف دعوت عالیترین است، لذا اجر و پاداش بیشترین دارد.** از اهداف اساسی دعوت اسلامی ارشاد عالمیان بسوی نیکی و خیر و فلاح و صراط مستقیم است که همانا دین قویم الهی می باشد، و اخراج مردم از ظلمت و ضلالت به سوی نور و روشنایی و از شرک بسوی توحید و از بدعت بسوی سنت و از ظلم و ستم به سوی عدالت و رحمت و احسان می باشد و دلائل قرآنی در این خصوص خیلی زیاد است که می توان به عنوان نمونه به آیات ذیل اشاره نمود: [ وَ لَتَكُنَّ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ ] ( و باید که باشد از شما گروهی که بخوانند به سوی نیکی ) آل عمران- 104 [ وَإِنَّكَ لَتَدْعُوهُمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ] ( تو ( ای پیغمبر ! ) آنان را به راه راست فرا می‌خوانی ( که دین اسلام و منتهی به سعادت است . )) المؤمنون- 73

و همچنان: [ وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ رُوحًا مِّنْ أَمْرِنَا مَا كُنْتَ تَدْرِي مَا الْكِتَابُ وَلَا الْإِيمَانُ وَلَكِن جَعَلْنَاهُ نُورًا نَّهْدِي بِهِ مَنْ نَّشَاءُ مِنْ عِبَادِنَا وَإِنَّكَ لَتَهْدِي إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ صِرَاطِ اللَّهِ الَّذِي لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ أَلَا إِلَى اللَّهِ تَصِيرُ الْأُمُورُ ] (همان گونه که به پیغمبران پیشین وحی کرده‌ایم ، به تو نیز به فرمان خود جان را وحی کرده‌ایم ( که قرآن نام دارد و مایه حیات دلها است . پیش از وحی ) تو که نمی‌دانستی کتاب چیست و ایمان کدام ، ولیکن ما قرآن را نور عظیمی نموده‌ایم که در پرتو آن هر کس از بندگان خویش را بخواهیم هدایت می‌بخشیم . تو قطعاً ( مردمان را با این قرآن ) به راه راست رهنمود می‌سازی . راه خدائی که متعلق بدو است همه چیزهایی که در آسمانها و زمین است . هان! همه کارها به خدا بازمی‌گردد ( و هر کاری تحت نظارت دقیق او و با اطلاع و اجازه او انجام می‌پذیرد ، و هر چیزی بدو مربوط است . )) الشوری- 52- 53

و همچنان: [ وَادْعُ إِلَى رَبِّكَ ] ( و بخوان بسوی پروردگار خویش ) الحج- 67 و همچنان: [ قُلْ إِنَّمَا أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ اللَّهَ وَلَا أُشْرِكَ بِهِ إِلَيْهِ أَدْعُو وَإِلَيْهِ مَآبٍ ] (بگو جز این نیست که فرموده شد مرا که عبادت کنم خدا را و شرک نورزم به وی ، بسوی او می خوانم و بسوی اوست بازگشت من ) ( رعد- 36)

و همچنان: [الرَّ كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ إِلَى صِرَاطِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ ] ( الف . لام . را . ) ( این قرآن ) کتابی است که آن را برای تو فرستاده‌ایم تا این که مردمان را ( در پرتو تعلیمات آن ) با توفیق و تفضل پروردگارشان ، از تاریکیها ( و گمراهیهای کفر و نادانی ) به

سوی نور ( و روشنائی ایمان و دانائی ) بیرون بیاوری ، ( یعنی که ) به راه خدای چیره ستوده  
( درآوری ) . ابراهیم- 1

و جهاد با همه اقسام علمی و مالی و قتالی جهت تحقق پذیرفتن اهداف فوق الذکر مشروع گردید، و  
چه زیبا بیان نمود (ربعی بن عامر) رضی الله عنه (مسئولیت امت در جهاد را) زمانیکه از طرف (سعد  
بن ابی وقاص) به سوی (رستم) فرمانده فارس فرستاده شد: [ إن الله ابتعثنا لنُخرج من شاء من  
عبادة العباد إلى عبادة رب العباد ، و من ضيق الدنيا إلى سعتها ، و من جور الأديان إلى عدل الاسلام ]  
(هر آئینه الله ما را فرستاده است تا بیرون آریم کسی را که خواهد از پرستش بندگان به عبادت  
پروردگار بندگان ، و از تنگنای دنیا به فراخی آن ، و از جور دیانات به عدالت اسلام) (البداية والنهاية- 39/7)  
پس از اهداف مهم دعوت، اخراج ملت ها از ظلمات بسوی روشنایی و حقیقت و آگاهی و حرکت  
می باشد، تا بدین وسیله از جهل و گناه و غضب الهی و نار جهنم نجات یابند.

[ اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ ] ( الله ولی مومنان است، بیرون می آرد ایشان  
را از تاریکی ها بسوی روشنایی) سورة بقره- 257

چنانچه ذکر شد از مهمترین اهداف دعوت اسلامی اصلاح جوامع بشری و ایجاد امت صالح و سالم  
هدایت یافته و بر صراط مستقیم می باشد که تنها الله متعال را پرستش نمایند الله متعال می فرماید:  
[ هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِّنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا  
مِن قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ] (خدا کسی است که از میان بیسوادان پیغمبری را برانگیخته است و به  
سویشان گسیل داشته است ، تا آیات خدا را برای ایشان بخواند ، و آنان را پاک بگرداند . او بدیشان  
کتاب ( قرآن ) و شریعت ( الله ) را می آموزد . آنان پیش از آن تاریخ واقعاً در گمراهی آشکاری بودند .  
الجمعة- 2

و همچنان: [ لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْ أَنفُسِهِمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ  
وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِن قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ] ( یقیناً خداوند بر مؤمنان ( صدر اسلام )  
منت نهاد و تفضل کرد بدان گاه که در میانشان پیغمبری از جنس خودشان برانگیخت . ( پیغمبری که )

بر آنان آیات ( کتاب خواندنی قرآن و کتاب دیدنی جهان ) او را می خواند ، و ایشان را ( از عقائد  
نادرست و اخلاق زشت ) پاکیزه می داشت و بدیشان کتاب ( قرآن و به تبع آن خواندن و نوشتن ) و  
فرزانگی ( یعنی اسرار سنت و احکام شریعت ) می آموخت ، و آنان پیش از آن در گمراهی آشکاری

( غوطه ور ) بودند . ) آل عمران- 164

در مبارزهٔ ایدئولوژیک (کیفیت) معیار است و (کمیت) مدار نمی باشد، پس مبارز دعوتگر در ایفای مسئولیت، با کمال اخلاص سعی بلیغ می ورزد، و حتی اگر یک شخص هم دعوتش را لیبیک گوید، برای تحقیق هدف والایش کافی است پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: [یحییء النبی و معه الرجلان و یحییء النبی و معه الثلاثة، و أكثر من ذلك ....] رواه احمد و ابن ماجه و صححه البانی فی صحیح الجامع [ 8033 ] (می آید پیامبری در حالیکه با وی دو شخص می باشد ، و می آید پیامبری در حالیکه با وی سه شخص و بیشتر از آن می باشد).

مسئولیت دعوتگر این است که در راستای اقامهٔ حجت الهی علیه پیروان ضلالت برزمد. [ رُسُلًا مُّبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ لِنَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةً بَعْدَ الرُّسُلِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا ] (ما پیغمبران را فرستادیم تا ( مؤمنان را به ثواب ) مژده رسان ، و ( کافران را به عقاب ) بیمدهنده باشند ، و بعد از آمدن پیغمبران حجت و دلیلی بر خدا برای مردمان باقی نماند ( و نگویند که اگر پیغمبری به سوی ما می فرستادی ، ایمان می آوردیم و راه طاعت و عبادت در پیش می گرفتیم ) . و خدا چیره حکیم است ( و کارهایش از روی قدرت و حکمت انجام می پذیرد ) . النساء- 165

و علیه فساد با تمام انواع و اشکال آن مبارزه نماید، ملل باستان چنان بودند که صاحبان خرد بجز معدودی چند، از منکر و فساد جلوگیری و ممانعت نمی کردند، در نتیجه بغیر از چند مصلح انگشت شمار، همه هلاک شدند.

[ فَلَوْلَا كَانَ مِنَ الْقُرُونِ مِن قَبْلِكُمْ أُولُوا بَقِيَّةٍ يَنْهَوْنَ عَنِ الْفَسَادِ فِي الْأَرْضِ إِلَّا قَلِيلًا مِّمَّنْ أَنْجَيْنَا مِنْهُمْ وَاتَّبَعَ الَّذِينَ ظَلَمُوا مَا أُتْرِفُوا فِيهِ وَكَانُوا مُجْرِمِينَ ] (چرا نمی بایست که در میان ملت‌های ( گذشته ) پیش از شما فرزاندانی باشند که از فساد در زمین نهی کنند ( تا دیگران را از گرفتار آمدن به عذاب و نابود شدن رهائی بخشند ؟ ) مگر مردمان کمی که ( به وظیفه امر به معروف و نهی از منکر عمل کردند و ) ما نجاتشان دادیم ، و ( اما در همان حال ) کافرانی می زیستند که از خوشگذرانی و تنعم و تلذذی پیروی می کردند که آنان را مغرور و فاسد کرده بود ، و دائماً گناه می ورزیدند ( و هیچ وقت به دعوت پیغمبران و خیرخواهان گوش نمی دادند و از فساد و تباهی دست نمی کشیدند ) . هود- 116

پس مبارزه علیه مظالم اجتماعی و فساد، باعث نجات جوامع انسانی از عقوبت عاجل الهی می گردد.

[ وَمَا كُنَّا مُهْلِكِي الْقُرَىٰ إِلَّا وَأَهْلُهَا ظَالِمُونَ ] ( و هرگز نیستیم هلاک کنندهٔ ده ها مگر در آن حال که

اهل آنها ستمکار باشند) القصص- 59

و منهیات قرآنی همواره شامل فساد با اشکال گوناگون آن بوده است. [ إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ  
وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ ] (خداوند به دادگری ، و  
نیکوکاری ، و نیز بخشش به نزدیکان دستور می‌دهد ، و از ارتکاب گناهان بزرگ ( چون شرك و زنا ) ، و  
انجام کارهای ناشایست ( ناسازگار با فطرت و عقل سلیم ) ، و دست‌درازی و ستمگری نهی می‌کند.  
خداوند شما را اندرز می‌دهد تا این که پند گیرید ( و با رعایت اصول سه‌گانه عدل و احسان و ایتاء  
ذی‌القربی ، و مبارزه با انحرافات سه‌گانه فحشاء و منکر و بغی ، دنیائی آباد و آرام و خالی از هرگونه  
بدبختی و تباهی بسازید ) . ( النحل- 90

همهٔ انبیاء علیهم السلام علاوه از شرک علیه فساد و خیانت و طغیان و ظلم مبارزه نموده اند،  
(نوح) علیه السلام همواره قومش را و برای مدت مدیدی از شرک و پرستش صالحین و ممانعت و  
احتقار اهل توحید نهی فرمود، و (هود) علیه السلام قومش (عاد) را از طغیان و ظلم و اسراف و ضایع  
کردن اموال منع می فرمود، زیرا آنها به تعمیر بناهای بلند و محکم که جز نام و شهرت نتیجه ای از آن  
حاصل نمی شد شوق زیاد داشتند و عمارات بود و باش خویش را به تکلف زیاد آباد میکردند و در آن  
صنایع بزرگ مستظرفه را بکار برده پول گزاف ضائع میکردند، گویا چنان می پنداشتند که در آنها جاودان  
می باشند و این عمارات و یادگارها ابداً بر باد نمی شود. [ أَتَيْنُونَ يَكُلُّ رِيعَ آيَةٍ تَعْبَثُونَ وَتَتَّخِذُونَ مَصَانِعَ  
لَعَلَّكُمْ تَخْلُدُونَ ] (آیا شما بالای هر بلندی و مکان مرتفعی کاخ سر به فلک کشیده‌ای می‌سازید و ( در  
آن ) به خوشگذرانی و کارهای بی‌هوده می‌پردازید ؟ و دژها و قلعه‌هایی می‌سازید که انگار جاودانه  
می‌مانید ؟ ) الشعراء- 128- 129

و به ظلم و جبر، زبردستان و کمزوران را زیر فشار آورده و عاجزان را تختهٔ مشق ظلم و تعدی ساخته  
بودند [ وَإِذَا بَطَشْتُمْ بَطَشْتُمْ جَبَّارِينَ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا ] (و هنگامی که مجازات می‌کنید ، از حد  
تجاوز می‌کنید و همچون ستمگران و سرکشان کیفر می‌دهید ( و در برابر کمترین جرم ، سنگین‌ترین  
جریمه و سزا روا می‌دارید و عدالت و ترحمی ندارید ) از خدا بترسید و از من اطاعت کنید .

الشعراء- 130- 131

و (صالح) علیه السلام ندای حق را چنین بلند نمود: [ فَادْكُرُوا آلَاءَ اللَّهِ وَلَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ ]  
(پس یاد کنید نعمت های خدا را و تباهی مکنید در زمین فساد افگنان) الاعراف- 74

همچنان (شعیب) علیه السلام قومش را به رعایت حقوق جامعه و اصلاح معاملات دعوت نموده از  
خیانت و جنایت نهی می کرد. [ وَالْأَى مَدِينٍ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ



قَدْ جَاءَكُمْ بَيِّنَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ فَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ  
 إِصْلَاحِهَا ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ وَلَا تَقْعُدُوا يَكْلُ صِرَاطٍ تُوعِدُونَ وَتَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ مَن آمَنَ  
 بِهِ وَتَبْغُونَهَا عِوَجًا وَأَذْكُرُوا إِذْ كُنْتُمْ قَلِيلًا فَكَثَرْتُمْ وَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ ] (شعيب را هم به  
 سوي اهل مدین که خود از آنان بود فرستادیم بدیشان گفت : اي قوم من ! خدا را بپرستید ( و بدانید )  
 که جز او معبودي نداريد . معجزه اي از سوي پروردگارتان ( بر صحت پیغمبري من ) برایتان آمده است .  
 ( پیام آسماني این است که در زندگي به ویژه در تجارت و معامله با دیگران راست و درست باشید و )  
 ترازو و پیمانہ را به تمام و کمال بکشید و پردازید و از حقوق مردم چیزی نگاهید ، و در زمین بعد از  
 اصلاح آن ( توسط خدا ، یا بر دست انبیاء ) فساد و تباهی مکنید . این کار به سود شما است اگر ( به  
 خدا و به حقیقت ، ) ایمان دارید . شما بر سر راهها ( ي منتهي به حق و هدایت و عمل صالح )  
 منشینید تا مؤمنان به خدا را بترسانید و از راه الله بازدارید و آن ( راه مستقیم ) را کج بنمائید ( و خود  
 به راه معوج منحرف گردید ) . به خاطر آوريد آن زماني را که اندک بودید و خداوند ( بر اثر تلاش  
 شبانه روزي خودتان نيروي انساني و قدرت مالي ) شما را افزون کرد . و نیز بنگرید که سرانجام کار  
 مفسدان ( همیشه به کجا انجامیده و عاقبت ) چگونه گشته است . ( الاعراف- 85- 86  
 و بالاخره رسالت رسول الله خاتم النبیین صلی الله علیه و آله و سلم امر به معروف و نهی از منکر و  
 مبارزه علیه همه انواع مظالم اجتماعی و فساد حتی ضیاع زرع و کشت می باشد : [ وَمِنَ النَّاسِ مَن  
 يُعْجِبُكَ قَوْلُهُ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيُشْهَدُ اللَّهُ عَلَى مَا فِي قَلْبِهِ وَهُوَ أَلَدُّ الْخِصَامِ وَإِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي  
 الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفَاسِدَ ] ( در میان مردم کسی یافته می شود  
 که سخن او در ( باره امور و اسباب معاش ) زندگي دنیا ، تو را به شگفت می اندازد ( و فصاحت و  
 حلاوت کلام او ، مابه اعجاب تو می شود ) و خدا را بر آنچه در دل خود دارد گواه می گیرد ( و ادعاء دارد  
 که آنچه می گوید ، موافق با چیزی است که در درون پنهان می دارد ، و گفتار و کردارش یکی است ) .  
 و حال آن که او سرسخت ترین دشمنان است . و هنگامی که پشت می کند و می رود ( و یا به ریاست  
 و حکومتی می رسد ) ، در زمین به تلاش می افتد تا در آن فساد و تباهی ورزد و نسل ( انسانها  
 و حیوانات ) را نابود کند ( و با فساد و تباهی خود ، اقوات و اموال و ارواح را از میان ببرد ) ، و خداوند  
 فساد و تباهی را دوست نمی دارد . ( البقره- 204- 205

دعوت گزیده ترین عامل تکوین اصلاح می باشد که می تواند تاریخ ملت ها را دگرگون سازد، پس  
 دعوت آنست که (بود) و (کرد) و (گفت) و (شد) تاریخ گذشته را به (بودن) و (کردن) و (گفتن) و

(شدن) تاریخ آینده تبدیل کند، و خود‌گریزی رهبانیت را به خود آگاهی و خود سازی اجتماعی مبدل سازد، و در وجود روشنفکر احساس تحرک ایجاد نماید، در آن صورت مبارز رسالت‌مند پایگاه و جایگاهش را در متن جامعه تعیین می‌کند، زیرا داعی و مدعو لازم و ملزوم یکدیگرند که غیاب دعوت به اضمحلال اجتماعیت مشروع بشریت منجر می‌شود.

لذا پیامبران علیهم السلام جبر تاریخ را شکسته، علیه فساد و استبداد مبارزه پیگیر نموده و کاروان‌های گسترده تاریخ را به سوی فرهنگ دعوت و اصلاح که توسط (وحی) بنیاد شده است فرا خواندند، و با اسالیب و شیوه‌های پسندیده علیه مظاهر ظلم و نابسامانی‌های اجتماعی رزمیدند، زیرا مکتب نجات بخش اسلام (از آدم تا خاتم) پایبند به اصول و مبانی اخلاقی بوده، رسیدن به هدف با وسایل مشروع را تعلیم می‌دهد، و فلسفه ماکیاولیزم (Machiavellism) را که می‌گوید هدف، وسیله را توجیه می‌کند و هر گونه عملی را برای نیل به مقصود جواز میداند، مردود می‌شمارد. پیامبر گرامی اسلام علیه الصلاة والسلام فرمود: [ إن الله طيب لا يقبل إلا طيباً ] (خدای تعالی پاکست و نمی‌پذیرد مگر پاکیزه را) (مسلم)

نخستین واجبی که باید دعوتگر به آن توجه نماید عبارت از آگاهی از تعالیم مکتب اسلام می‌باشد، زیرا مردم را به سوی آن فرا می‌خواند، پس باید دعوت‌وی مبنی بر حجت و برهان، و بصیرت و وجدان، و حرمت انسان باشد.

[ قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي وَسُبْحَانَ اللَّهِ وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ ] (بگو: این راه من است که من (مردمان را) با آگاهی و بینش به سوی خدا می‌خوانم و پیروان من هم (چنین می‌باشند)، و خدا را منزّه (از انباز و نقص و دیگر ناشایست) می‌دانم، و من از زمره مشرکان نمی‌باشم) (و کسی و چیزی را شریک خدا نمی‌انگارم). (یوسف- 108)

**بصیرت و حکمت و فرهنگ حجت مهم‌ترین مقومات دعوت به شمار می‌روند،** پس مبارز آگاه با دلایل روشن و براهین محکم و نصایح موثر و مضامین ترغیبی و ترهیبی و با پیرایه معتدل و زیباترین اسلوب اصول تهذیب، مخاطب را ملزم می‌گرداند، و میدانند که مراد از دیالوگ و گفت‌وگو، افهام و تفهیم و احقاق حق است لذا از خشونت و انانیت اجتناب می‌ورزد زیرا نزاع حصول هدف را بتعویق می‌افکند. الله متعال می‌فرماید: [ ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ مِمَّنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ ] (( ای پیغمبر! ) مردمان را با سخنان استوار و بجا و اندرزه‌های نیکو و زیبا به راه پروردگارت فراخوان، و با ایشان به شیوه هرچه نیکوتر و بهتر

گفتگو کن ؛ چرا که ( بر تو تبلیغ رسالت الهی است با سخنان حکیمانه و مستدلانه و آگاهانه ، و به گونه بس زیبا و گیرا و پیدا ، و بر ما هدایت و ضلال و حساب و کتاب و سزا و جزا است . ) بی‌گمان پروردگارت آگاه‌تر ( از همگان ) به حال کسانی است که از راه او منحرف و گمراه می‌شوند و یا این که رهنمود و راهیاب می‌گردند . ( النحل- 125

بهترین مأخذ و مرجع برای آگاهی و برهان و حجت همانا کتاب الله جلت عظمته می باشد پس به کثرت تلاوت و در آیات تدبیر کند زیرا قرآن عظیم الشان مصدر حقیقی علم و هدایت است. [ إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمٌ ] (این قرآن به راهی رهنمایی می کند که درست تر است) الإسراء- 9 پس از کتاب خداوند تبارک و تعالی ، سنت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم که مرجع ثانی شریعت است مورد اهتمام و ترکیز قرار گیرد، زیرا **کتاب و سنت مصدر همه ارزش های دعوت اند.** و بنابر دستور الهی مسلمانان راست تا در قضایای ایشان پس از قرآن، سنت را حکم قرار دهند. [ وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا مُمِئِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا مُّبِينًا ] (هیچ مرد و زن مؤمنی ، در کاری که خدا و پیغمبرش داوری کرده باشند ) و آن را مقرر نموده باشند ) اختیاری از خود در آن ندارند ( و اراده ایشان باید تابع اراده خدا و رسول باشد ) . هر کس هم از دستور خدا و پیغمبرش سرپیچی کند ، گرفتار گمراهی کاملاً آشکاری می‌گردد . احزاب- 36

پیامبر گرامی اسلام علیه الصلاة والسلام فرمود: كل أمتي يدخلون الجنة إلا من أبی ، قالوا: و من یأبی ؟ قال: من اطاعنی دخل الجنة و من عصانی فقد أبی [ همه امتم به بهشت وارد می شوند مگر آنکه ابا ورزد، گفتند: چه کسی ابا می ورزد ؟ فرمود: آنکه مرا اطاعت نماید به بهشت وارد می شود و آنکه در برابرم نافرمانی کند، همانا ابا ورزیده است ) (بخاری)

همچنان واجب مهمی که دعوتگر رعایت کند عبارت از (عمل به دعوت) می باشد زیرا **مبادرت مبارز، مصداق دعوتش است**، پیشوایان یهود بر آن بودند که اگر دیگران بنابر ارشادات ما اعمال حسنه را انجام دهند ثواب آن به ما می رسد، پس لزومی ندارد خود به آن عمل کنیم، قرآن عظیم الشان بر این بینش منفی آنها خط بطلان کشید: [ أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ وَأَنْتُمْ تَتْلُونَ الْكِتَابَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ] (آیا مردم را به نیکوکاری فرمان می‌دهید ) و از ایشان می‌خواهید که بیشتر به طاعت و نیکبها بپردازند و از گناهان دست بردارند ) و خود را فراموش می‌کنید ( و به آنچه به دیگران می‌گوئید ، خودتان عمل نمی‌کنید ؟ ) در حالی که شما کتاب می‌خوانید ( و تورات را در اختیار دارید و در آن تهدید

خدا را درباره آن که کردارش مخالف گفتار است ، مطالعه می‌کنید ؟ ) . آیا نمی‌فهمید ( و عقل ندارید تا شما را از این کردار زشت بازدارد ؟ ) . ( البقره- 44

چون دعوتگر مردم را به سوی اصلاح، دعوت می‌نماید ، پس شخص وی در عمل اصلاحی نسبت به دیگران سبقت جوید و عکس آن مردود است.

[ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ ] ( ای مؤمنان ! چرا سخنی ( به دیگران ) می‌گوئید که خودتان بر آن عمل نمی‌کنید ؟ ) صف- 2

شعیب علیه السلام از مقام والای دعوت ، قومش را خطاب نموده می‌فرماید: که نمی‌خواهم از آنچه شما را ممانعت می‌نمایم خود مرتکب آن شوم: [ وَمَا أُرِيدُ أَنْ أُخَالِفَكُمْ إِلَىٰ مَا أَنْهَاكُمْ عَنْهُ ] ( و

نمی‌خواهم که خلاف کنم با شما به آنچه منع می‌کنم شما را از آن ) هود- 88

[ عن أبي زيد أسامة بن زيد بن حارثة، رضی الله عنهما، قال: سمعت رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم) يقول: يؤتى بالرجل يوم القيامة فيلقى فى النار، فتندلق أفتاب بطنه، فيدور بها يدور الحمار

فى الرحا، فيجتمع إليه اهل النار، فيقولون: يا فلان مالك؟ الم تك تأمر بالمعروف و تنهى عن المنكر؟

فيقول: كنتُ أمرُ بالمعروف و لا آتیه، و أنهى عن المنكر و آتیه ] (از ابو زید اسامه بن زید بن حارثه رضی الله عنهما روایت شده که گفت: از رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم) شنیدم که می‌فرمود: مردی در

روز قیامت احضار شده و در آتش انداخته می‌شود، و روده هایش از شکمش خارج می‌گردد و همچو خری که در آسیاب بسته باشد آنرا می‌چرخاند، اهل دوزخ بر او گرد آمده می‌گویند: ای فلانی چرا به

چنین وضعی گرفتار شدی؟ آیا تو به کارهای خوب امر نمی‌نمودی و از کارهای بد مردم را منع

نمی‌کردی؟ او می‌گوید: آری به کارهای خوب امر می‌کردم ولی خود آنرا بجای نمی‌آوردم و از

کارهای بد منع می‌کردم و آنرا خود انجام می‌دادم ) متفق علیه

راز فلاح و سرّ نجات در امور و شئون دعوت، اخلاص و احتساب می‌باشد که اجر و پاداش آن فقط از

خداوند جل جلاله خواسته شود، و در اعماق قلبِ داعی رضای پروردگار و عزت اسلام و مسلمین از

منزلت و مکانت خاص برخوردار باشد، در این صورت خداوند یاری نموده و جد و جهد وی مورد استقبال

جمهور واقع شده، هر گونه شبهه و ظن منتفی می‌گردد.

لطفاً به قسمتی از خطاب هود علیه السلام به قومش (عاد) که در حقیقت بیان موضعگیری همه انبیاء

می‌باشد توجه نمائید: [ كَذَّبَتْ عَادَ الْمُرْسَلِينَ إِذْ قَالَ لَهُمُ أَخُوهُمْ هُودٌ آلَا تَتَّقُونَ إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ ] ( قوم عاد پیغمبران (خدا)

را تکذیب کردند ( و دروغگو نامیدند ) . بدان گاه که برادرشان هود بدیشان گفت : هان ! تقوا پیشه کنید ( و پرهیزگار باشید ، و از عذاب خدا بپرهیزید ) . من پیغمبر امینی برای شما هستم . از خدا بترسید و از من اطاعت کنید . من هیچ اجر و پاداشی در برابر این دعوت از شما نمی‌طلبم . اجر و پاداش من جز بر پروردگار جهانیان نمی‌باشد .) شعراء- 123- 127

همچنان در راه دعوت و اصلاح جامعه، تحمل متاعب و امور خلاف طبع، الزامی بوده، به شکیبایی و استقامت، جهت احقاق حق و ابطال باطل توصیه جدی می‌شود، [ وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا مِّنَ الْمُجْرِمِينَ وَكَفَىٰ بِرَبِّكَ هَادِيًّا وَنَصِيرًا ] (این گونه ( که تو ای پیغمبر ! با موضعگیری و عداوت سرسختانه این گروه روبرو شده‌ای ، همه پیغمبران در چنین شرایطی قرار داشته‌اند ، و ) برای هر پیغمبری گروهی از بزهکاران را دشمن ساخته‌ایم ( که با او به مبارزه پرداخته و با مکتب و دعوتش مخالفت ورزیده‌اند . اما بدان که حق همیشه پیروز است ، و تو هم تنها و بدون یاور نیستی ، و خدا تو را به راه پیروزی بر آنان راهنمایی می‌کند و یاریت می‌دهد ) و همین بس که خدای تو راهنما و یاور باشد .) الفرقان- 31

لذا در قرآن عظیم الشان صبر و شکیبایی با تواصی و دعوت، پیهم ذکر شده است [ وَالْعَصْرُ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَّصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَّصَّوْا بِالصَّبْرِ ] (سوگند به زمان ( که سرمایه زندگی انسان ، و فرصت تلاش او برای نیل به سعادت دو جهان است ) ! انسانها همه زیانمندند . مگر کسانی که ایمان می‌آورند ، و کارهای شایسته و بایسته می‌کنند ، و همدیگر را به تمسک به حق ( در عقیده و قول و عمل ) سفارش می‌کنند ، و یکدیگر را به شکیبایی ( در تحمل سختیها و دشواریها و دردها و رنجهایی ) توصیه می‌نمایند ( که موجب رضای خدا می‌گردد ) .) العصر- 1- 3

قابل تذکر است که خداوند تبارک و تعالی امر نموده است تا دعوت در راه حق با حکمت و موعظه حسنه و مناظره زیبا و نیکو باشد [ اذعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَن ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ ] (( ای پیغمبر ! ) مردمان را با سخنان استوار و بجا و اندرزهایی نیکو و زیبا به راه پروردگارت فراخوان ، و با ایشان به شیوه هرچه نیکوتر و بهتر گفتگو کن ؛ چرا که ( بر تو تبلیغ رسالت الهی است با سخنان حکیمانه و مستدلانه و آگاهانه ، و به گونه بس زیبا و گیرا و پیدا ، و بر ما هدایت و ضلال و حساب و کتاب و سزا و جزا است .) بی‌گمان پروردگارت آگاه‌تر ( از همگان ) به حال کسانی است که از راه او منحرف و گمراه می‌شوند و

یا این که رهنمود و راهیاب می‌گردند. ( النحل- 125

**حکمت عبارت از قرار دادن امور در نصاب آن و وصول به مقصد با شیوه و اسلوب سهل و مناسب**

**می باشد،** مثلاً زمانیکه خداوند تبارک و تعالی موسی و برادرش هارون علیهما السلام را با دلایل و

معجزات باهره نزد فرعون فرستاد، به سخن نرم و رقت آور امر فرمود: [ اذْهَبَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ

فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَّيِّنًا لَّعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَىٰ ] (به سویی فرعون بروید که سرکش شده است ) و در کفر و

طغیان از حد گذشته است ) . سپس به نرمی با او ( درباره ایمان ) سخن بگوئید ، شاید ( غفلت خود

و عظمت خدا را ) یاد کند و ( از عاقبت کفر و طغیان خویش و عذاب دوزخ ) بهراسد. طه- 43- 44

ولی در برخی مواضع با شدت رفتار کردن اقتضای حکمت است.

الله متعال می فرماید: [ يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ وَمَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَيُنْسِ

الْمَصِيرُ ] (ای پیغمبر ! با کافران و منافقان جهاد و پیکار کن ( تا ایشان را از کفر و نفاق برگردانی ) و بر

آنان سخت بگیر و ( با ایشان خشن باش . این مجازات کنونی ایشان است و در آخرت ) جایگاهشان

دوزخ است و چه بد سرنوشت و چه زشت جایگاهی است ! ) التوبه- 73

از ضروریات دیگر دعوت، حرص داشتن به هدایت شدن مردم می باشد، پیامبر اسلام که (سید الدعاة)

بودند، از اینکه کفار دعوت اسلام را رد می کردند افسوس نموده بی نهایت غمگین می شدند، الله

متعال خطاب به نبی حق علیه الصلاة والسلام می فرماید: [ فَلَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَّفْسَكَ عَلَىٰ آثَارِهِمْ إِنْ لَمْ

يُؤْمِنُوا بِهَذَا الْحَدِيثِ أَسَفًا ] (نزدیک است خویشتن را در پی ( دوری گزیدن و روی گردانیدن ) ایشان ( از

ایمان آوردن ، دق مرگ کنی و ) از غم و خشم این که آنان بدین کلام ( آسمانی قرآن نمی‌گروند و

بدان ) ایمان نمی‌آورند ( خود را ) هلاک سازی . ( الکهف- 6

آرزوی همیشگی آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم توأم با سعی بلیغ، این بود که انسانیت را با

صلاح و فلاح حقیقی هم آغوش سازد [ لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ

عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَّحِيمٌ ] (بیگمان پیغمبری ( محمد نام ) ، از خود شما ( انسانها ) به سویتان

آمده است . هرگونه درد و رنج و بلا و مصیبتی که به شما برسد ، بر او سخت و گران می‌آید . به شما

عشق می‌ورزد و اصرار به هدایت شما دارد ، و نسبت به مؤمنان دارای محبت و لطف فراوان و بسیار

مهربان است . ) التوبه- 128

**دعوتگر سعی ورزد تا حرص و حکمت، این دو گزینه دعوت ولی فراموش شده از نیمه روشنفکران را**

**احیاء نماید، و در این راه پر تلاطم، شکیبایی را از دست ندهد با این بینش که : صبر، مقاومت مشروع**

و استقامت با عزت در راه مبارزه است، و نه استسلام به فرهنگ دیگران، و سکوت در برابر مظاهر ظلم و ستم، یکی از پرآفت ترین ابعاد ابتذال را تشکیل میدهد، و در هر اقدام به تجدید خلوص نیت بپردازد زیرا اخلاص و احتساب، جهان بینی پی به مبارز و مجاهد می بخشد که وسعت و پهنای آن آخرت شمول است، و آراسته با مظهر و اسلوب زیبا و گیرا باشد، روش و مظهر هر انسان، بازتاب انگیزه های باطنی اش می باشد.

حکیم زین العابدین



[www.khetabat.com](http://www.khetabat.com)